

پس از دو سال، آیا سیاست باراک اوباما در مورد روسیه تغییر کرده است

محمود مقدس*

محمد رضا دبیری**

۶۷

چکیده

تجربه هشت ساله اقدامات و سیاست‌های دولت بوش و تاثیر نامطلوب آن بر وجهه آمریکا و روابط این کشور با دیگر کشورها نیاز به تغییر را در رویکرد آمریکا ضروری ساخت و در همین راستا بود که شعار تغییر وارد حیات سیاسی آمریکا گشت. در این میان رویکرد اوباما به بازسازی روابط آمریکا با روسیه که در دوران بوش دستخوش مشکلات فراوانی گشته بود حایز اهمیت فراوانی است. مقاله حاضر در بررسی تغییرات صورت گرفته در مناسبات دو کشور از زمان روی کار آمدن اوباما، می‌کوشد با تاکید بر چند موضوع عمده مورد مناقشه مانند مسئله سپر دفاع موشکی، کاهش تسلیحات استراتژیک، گسترش ناتو به سوی شرق، ترویج دموکراسی و مسئله ایران و افغانستان این نکته را مورد تامل قرار دهد که با توجه به شرایط بین‌المللی جدید (نیاز به همکاری و تشریک مساعی را پررنگ تر کرده، آمریکا برخلاف دوران بوش برای حل مسایل پیش رو) آمریکا خود را بی‌نیاز از کمک روسیه نمی‌بیند به همین دلیل از رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه به چندجانبه‌گرایی روی آورده است. ذکر این نکته لازم است که اگر چه روابط دو کشور به دلیل برخی شرایط با فراز و نشیب‌هایی همراه است اما آنچه همیشگی است رقابت است.

کلیدواژگان: تغییر، صلح سرد، کاهش تسلیحات استراتژیک، ناتو، سپر دفاع موشکی، دموکراسی، ایران،

افغانستان

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

** کارشناس ارشد علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، سال دوازدهم، شماره ۱ زمستان ۱۳۸۹، ص ص ۶۷-۹۰

اگر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از هم پاشی نظام دو قطبی را نقطه آغاز تحولات بسیاری در عرصه نظام بین‌الملل بدانیم اما یک مسئله همچنان بدون تغییر باقی مانده است و آن عبارت است از تلاش برای کسب قدرت، منافع و گسترش حوزه نفوذ از سوی همه کشورها به خصوص آمریکا. (که اینک رقیبی برای خود نمی‌دید). روسیه خود را وارث ابرقدرتی چندپاره شده یافت که بسیاری از حوزه‌های نفوذ و منافع و قدرت‌ش از دست رفته بود در حالی که در آن طرف، آمریکا خود را یگانه ابرقدرتی می‌دید که دیگر چیزی جلودارش نبود. از این رو هر دو کشور خود را در بازی کسب قدرتی تازه یافتند؛ روسیه برای کسب قدرت و اعتبار از دست رفته و آمریکا برای گسترش هرچه بیشتر حوزه نفوذ خود و کسب منافع بیشتر که در نبود رقیب دیرینه اش اینک دستیابی به آن از همیشه راحت تر بود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط آمریکا و روسیه همواره با فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود روبرو بوده به نحوی که طی سال‌های گذشته در روابط این دو کشور هم همکاری و هم تقابل وجود داشته است. مسئله گسترش ناتو به سوی شرق، سیاست‌های آمریکا در قبال گرجستان، صربستان و مونته‌نگرو، موضوع مالکیت بر بخش‌هایی از قطب شمال، خروج روسیه از پیمان منع گسترش سلاح‌های متعارف و طرح سپر دفاع موشکی آمریکا از جمله اختلافات میان دو کشور طی چند سال اخیر بوده است.^۱

هنگامی که جرج بوش همراه با گروهی از نومحافظه کاران و راست‌گرایان مذهبی به قدرت رسید یکی از هدف‌هایش کنار گذاشتن سیاست نرمش‌پذیری بود که از دوران نیکسون تا کلینتون در صحنه سیاست خارجی آمریکا اجرا می‌شد. از دید این گروه، آمریکا باید نیروی نظامی عظیم خود را حتی به

صورت یک‌جانبه برای تامین منافع و امنیت ملی به کار برد. ^۲ سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش بر مبنای برتری بر قدرت‌های رقیب در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشت و لذا تمامی مساعی آمریکا معطوف به آن بود که قدرت نظامی خود را چنان به رخ بکشد که رقابت تسلیحاتی از حیزّ انتفاع ساقط شود. ^۳ دولت نومحافظه کار بوش بر آن بود تا ساختار امنیت بین‌الملل را تک قطبی کند و لذا در بسیاری از موارد کوشید به صورت یک‌جانبه‌گرایانه اقداماتی را به منظور اجرای سیاست‌ها و دستیابی به منافع و اهداف خود به عمل آورد که این امر سبب ناخشنودی بسیاری از کشورها و به وجود آمدن برخی تعارضات و کشمکش‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل گردید. مجموعه سیاست‌های اتخاذ شده بوش در این سال‌ها و اتخاذ رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه اش در حل مسایل مختلف جهانی و منطقه‌ای بی شک یک پیامد مهم در بر داشت؛ مخدوش شدن چهره آمریکا و انزوای نسبی آن.

باراک اوباما در اولین نطق خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با تاکید بر شعار انتخاباتی خود، اذعان داشت که آمریکا مسیری طولانی و دشوار در پیش دارد و تغییرات در راه است. سیاست تغییر که با روی کار آمدن وی در محافل مختلف بر سر زبان‌ها افتاد نظرهای مختلفی را در میان تحلیلگران برانگیخت. گروهی این تغییر را تنها در تاکتیک‌های آمریکا برای رسیدن به همان اهداف استراتژیک قبلی در صحنه روابط بین‌الملل و نیز منطقه خاورمیانه دانسته و شعار تغییر را تنها در جهت اصلاح روش‌ها و نیز جلب حمایت افکار عمومی پس از رفتارهای دولت بوش و تاثیر نامطلوب آن بر وجهه آمریکا می‌دیدند. از سوی دیگر گروهی نیز بر آنند که تغییرات مهمی در استراتژی و اصول سیاست خارجی آمریکا روی داده و دولتمردان این کشور بنا به دلایل گوناگون از جمله شرایط بین‌المللی به تغییر در مبانی و اهداف در صحنه جهانی تن داده اند. ^۴

در این میان تبیین ماهیت روابط آمریکا و روسیه حایز اهمیت بسیاری است. اگر بتوان وضعیتی برای تشریح روابط میان روسیه و آمریکا در دوران زمامداری بوش متصور بود «صلح سرد» به بهترین نحو می‌تواند بیانگر ماهیت این روابط باشد. در این دوران دو کشور اگر چه در وضعیت جنگی نبوده‌اند اما روابط گرمی نیز میان آنها برقرار نبوده است. نوشتار حاضر می‌کوشد با تشریح چگونگی مناسبات دو کشور در دو مقطع مختلف یعنی دوران ریاست جمهوری بوش و اوباما میزان و نحوه تغییرات در روابط دو کشور در خصوص موضوعات خاص و رویکردهای آنان نسبت به مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد. لذا در پاسخ به این سؤال که مناسبات دو کشور از زمان روی کار آمدن اوباما چه تغییراتی را به خود دیده است سعی می‌گردد با تاکید بر چند موضوع عمده مورد مناقشه مانند مسئله سپر دفاع موشکی، کاهش تسلیحات استراتژیک، گسترش ناتو به سوی شرق، مسئله ایران و افغانستان، این نکته مورد بررسی قرار گیرد که با توجه به شرایط جدید بین‌المللی آمریکا برخلاف دوران بوش برای حل مسایل پیش رو خود را بی‌نیاز از کمک روسیه نمی‌بیند و لذا از رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه به چندجانبه‌گرایی روی آورده است. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به هویت و راهبردهای کلان دو طرف این انتظار همیشه وجود دارد که سیاست رقابت و همکاری همچنان در پیش گرفته شود. البته در برخی مقاطع به دلیل ماهیت رخدادها و یا تصمیمات رهبران دو کشور، تعاملات آن دو بهتر یا بدتر می‌شود اما آنچه همیشگی است رقابت است. روسیه هیچ‌گاه نمی‌تواند از خواست‌های جدی خود که بعضاً در تقابل با غرب است چشم‌پوشد و غرب به رهبری آمریکا نیز هیچ‌گاه نمی‌تواند از گسترش منافع خود که در تقابل با روسیه است دست بردارد اما در شرایط جدید و با توجه به همپوشی منافع، می‌توان انتظار گسترش روابط و همکاری در حوزه‌هایی را داشت که تا پیش از این دستخوش یک‌جانبه‌گرایی بود.^۵

یک. روابط روسیه و آمریکا؛ از پایان جنگ سرد تا آغاز صلح سرد

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به منزله پایانی همیشگی بود بر آنچه برای سال‌ها به جنگ سرد نامبردار شده بود، دورانی که مشخصه اش وجود فضایی دو قطبی همراه با رقابت‌های تسلیحاتی و رویارویی ارزش‌های ناشی از دوایدئولوژی متضاد بود. پس از گذر از دوران بی‌ثبات پس از فروپاشی و سردرگمی و تشقت ناشی از آن موج‌های جدید ناسیونالیستی از درون ساخت‌های قدرت روسیه ظهور یافت و نیروهای مختلفی تلاش کردند تا نقش موثرتری در ساختار سیاسی روسیه ایفا کنند. از این مقطع زمانی به بعد روسیه درگیر استراتژی جدیدی شد. به این ترتیب در سال ۱۹۹۹ شاهد تنظیم مجدد استراتژی دفاعی روسیه هستیم. بر اساس این رویکرد جدید، روس‌ها تلاش کردند تا موقعیت خود را در سطح بین‌الملل در قالب بازدارندگی ترمیم کنند. نشانه چنین نگرشی را می‌توان در افزایش هزینه‌های نظامی روسیه دید که در سال ۱۹۹۹ هزینه‌های دفاعی آن به میزان ۴/۲ میلیارد دلار افزایش یافت. معنای نمادین این امر آن بود که روسیه سعی در دستیابی به جایگاه جدیدی در نظام بین‌الملل دارد. در همین دوران بود که زمینه‌های لازم برای به قدرت رسیدن پوتین فراهم شد.^۶

روابط روسیه و آمریکا پس از روی کار آمدن جرج بوش وارد مرحله تازه‌ای شد. همان طور که گفته شد، سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش بر مبنای برتری بر قدرت‌های رقیب در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشت و لذا تمامی مساعی آمریکا معطوف به آن بود که قدرت نظامی خود را چنان به رخ بکشد بطوری که رقابت تسلیحاتی برای دیگر کشورها مقرون به صرفه نباشد. از آن سو، روسیه دیگر آن کشور ضعیف اوایل دهه ۱۹۹۰ نبود که برای بازسازی اقتصاد ویرانش نیازمند غرب باشد. تورم، فساد، شکاف‌های طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر در سایه مدیریت و رهبری کارآمد پوتین و به یمن

دلارهای نفتی جای خود را به شکوفایی و رونق اقتصادی داد، امری که سبب اعاده هویت و غرور ملی روس‌ها گردید. استقلال کوزوو که با حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا همراه شد سبب اقدام متقابل روسیه در بحران گرجستان گردید. در واقع روسیه در قضیه گرجستان نشان داد که ابزار و توانایی کافی برای بازگشت به صحنه جهانی را دارد. روسیه با اقدام نظامی در گرجستان موقعیت خود را به عنوان بازیگری مهم در عرصه معادلات سیاسی و امنیتی منطقه خارج نزدیک تثبیت و موقعیت برترش در این حوزه را اعاده کرد. از سوی دیگر مسکو کوشید با بحرانی کردن وضعیت گرجستان عضویت این کشور در ناتو را که یکی از پیش شرط‌هایش ثبات سیاسی است منتفی کند. نتیجه این رویارویی‌ها و دیگر مسایل همچون بحران سپر موشکی و گسترش ناتو به تداوم وضعیتی منجر شد که می‌توان از آن به صلح سرد یاد کرد، وضعیتی که ویژگی اصلی آن رقابت است و دیگر نشانی از قصد یک کشور برای نابودی فیزیکی کشور دیگر وجود ندارد بلکه کشورها می‌کوشند در حیطه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیک و فرهنگی بر یکدیگر پیشی بگیرند ضمن اینکه برخلاف دوران جنگ سرد دیگر شاهد حضور ایدئولوژی‌های کلان با ارزش‌های جهانشمول خاص خود که تعیین کننده سیاست‌ها باشد نیستیم.

دو. حضور آمریکا در حوزه نفوذ روسیه؛ اهداف و انگیزه‌ها

یکی از اهداف اصلی سیاستگذاران آمریکایی در دوران جنگ سرد جلوگیری از نفوذ شوروی در بیرون از مرزهای اوراسیا بود. روسیه همواره این منطقه را حیات خلوت خود دانسته و آن را در حوزه منافع امنیتی و نظامی خود تعریف کرده است. این مساله یعنی تلاش آمریکا برای گسترش حوزه نفوذ و کسب منافع و تلاش روسیه برای حفظ منافع سنتی خود باعث برخورد و

کشمکش میان اهداف و منافع آنها در این حوزه مهم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک شده است.^۷

به طور کلی اهداف آمریکا از حضور در منطقه اوراسیا را می‌توان در سه مقوله کلی جای داد؛ اهداف سیاسی که خود شامل سه دغدغه عمده جلوگیری از احیای مجدد قدرت روسیه، مهار اسلامگرایی و بویژه مهار ایران است، اهداف اقتصادی همچون تامین انرژی و مواد خام و دسترسی به بازارهای منطقه، تلاش برای همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه با اقتصاد غرب و حمایت از انتقال انرژی از مسیر شرقی- غربی (باکو- تفلیس- جیحان) به منظور کاهش نفوذ روسیه، و اهداف فرهنگی نظیر تلاش برای ترویج ارزش‌های غربی و پیاده کردن مدل‌های حکومتی غربی، تقویت حضور فرهنگی از طریق گسترش فعالیت سازمان‌های غیردولتی و تلاش برای ارتباط با نخبگان جدید منطقه.^۸

مجموعه اهداف و منافع مذکور آمریکا را به حضور در منطقه طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی علاقمند ساخته، حضوری که در قالب گسترش ناتو تجلی پیدا کرده است. نتیجه‌این امر برخورد دو کشور در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و ... بوده است.

سه. سیاست تغییر و مناسبات روسیه و آمریکا

اوباما که سی ماه پیش با شعار تغییر بر سرکار آمد کوشیده است اختلافات به وجود آمده میان دو کشور را تا حد امکان کاهش دهد. تأکید بر عناصر غیر مادی قدرت، دیپلماسی و غیره از جمله راهکارهایی بوده که وی برای کاهش یا رفع اختلافات به کار برده است. البته دولتمردان روسیه نیز به خوبی این نکته را درک کرده اند که تأکید صرف بر اقتصاد تک محصولی و منازعه با دیگر قدرت‌ها نمی‌تواند چندان ابزار مناسبی برای تأمین منافع روسیه

باشد و می‌باید بیش از پیش بر همکاری با آمریکا و اروپا نظر مثبت داشته باشند.^۹

برای فهم هرچه بهتر تحولات صورت گرفته در مناسبات آمریکا و روسیه برخی موضوعات و مسایل بنیادی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا میزان و نحوه تغییرات در روابط دو کشور طی سی ماه اخیر تبیین گردد. موضوعات مورد اشاره عبارتند از؛

۱. معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک

مسئله کاهش سلاح‌های استراتژیک مهم ترین مسئله در امور نظامی و معاهدات بین دو طرف در حال حاضر است. پوتین در اواخر ژوئن ۲۰۰۶ اعلام کرد که خواهان احیای گفت و گوهای دو جانبه با اولویت جایگزینی پیمان استارت* است که از ۱۹۹۱ آغاز شده بود و در ۲۰۰۹ نیز به پایان می‌رسید. در ژوئن ۲۰۰۶، روسیه و آمریکا دست به ایجاد ساز و کاری رسمی برای ادامه گفت و گوهای دو جانبه در خصوص مسایلی چون تروریسم، عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و هسته ای، کنترل تسلیحات و دیگر موارد امنیتی مهم زدند. هرچند در نشست G8 در سنت پترزبورگ هیچ گونه طرح رسمی‌ای شکل نگرفت اما وزرای دفاع و خارجه مطالعات جدی‌ای را برای یافتن راهی برای حل موارد موجود آغاز کردند.^{۱۰}

دولت بوش در نهایت اعلام کرد که میان این گونه معاهدات با جهان امروز که تهدیدات و تروریست‌های فراملی در آن وجود دارد هماهنگی ندارد. به همین دلیل واشنگتن اعلام کرد که خواهان تکمیل و گسترش پیمان سورت* است. این پیمان که در می ۲۰۰۲ میان آمریکا و روسیه امضا شده بود

* Strategic Arms Reduction Talks (START)

* Strategic Offensive Arms Reduction Talks (SORT)

مقرر می‌کرد که تا ۳۱ سپتامبر ۲۰۱۲ هر دو طرف می‌باید بین ۱۷۰۰ تا ۲۲۰۰ کلاهک استراتژیک مستقر خود را نابود سازند. البته روسیه با این طرح مخالفت کرد. یکی از دلایل اصلی برای مخالفت با سورت و کاهش سلاح‌های هسته‌ای تهاجمی در نظر مسکو، هزینه‌های بالای این طرح بوده است.

تلاش‌ها برای احیای گفتگوها بر سر پیمان استارت در دوران بوش به خاطر پافشاری وی بر طرح سپر موشکی چندان پیگیرانه نبوده است. به هر حال پیمان استارت مورد تایید طرفین قرار نگرفت اما با روی کار آمدن اوباما و با سفر وی به روسیه، بالاخره مذاکراتی با مدودف برای جایگزینی پیمان استارت آغاز شد. اوباما در همین راستا بیان داشت هدفش توقف ذخیره سازی سلاح‌های اتمی به نحوی است که هیچ کدام از دو کشور آمریکا و روسیه بردیگری برتری نداشته باشند.^{۱۱} اوباما کاهش تسلیحات از سوی آمریکا و روسیه را به منزله تلاشی برای ترغیب کشورهای چون ایران به عدم تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌داند.^{۱۲} بنا به گفته مسئولان، واشنگتن و مسکو برسر متن قرارداد درباره قطع سلاح‌های اتمی به توافق رسیده‌اند. باراک اوباما گفته است که قرارداد جدید باید موجب کاهش تنش‌ها و هزینه بالای نگهداری از تجهیزات اتمی بزرگی شود که برای اهداف دفاعی یا بازدارنده آمریکا کارایی ندارد. طرفین توافق کردند که ذخایر هسته‌ای خود را بین ۱۵۰۰ تا ۱۶۷۵ کلاهک هسته‌ای و بین ۵۰۰ تا ۱۱۰۰ سکوی پرتاب کاهش دهند. طبق قراردادهای موجود، طرفین توافق کرده‌اند که حداکثر ۲۲۰۰ کلاهک و ۱۶۰۰ سکوی پرتاب داشته باشند.^{۱۳}

۲. سپر دفاع موشکی

طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خاک لهستان و چک، یکی از موضوعات بحث‌انگیز اخیر هم بین روسیه و آمریکا و هم بین کشورهای

اروپایی بوده که در اجلاس سران ناتو در بخارست و هم چنین در سفر اواما به روسیه مورد توجه جدی قرار گرفت. به باور سیاستگذاران آمریکا حوادث ۱۱ سپتامبر اجرای این طرح را به عنوان عنصری ضرور برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای تازه مطرح کرد.^{۱۴}

در دسامبر ۲۰۰۱ جرج بوش خروج یک جانبه از پیمان منع تولید موشک‌های ضد بالستیک (ABM) را اعلام کرد تا طرح دفاع ملی موشکی یا به عبارتی، طرح سپر دفاع موشکی را اجرا کند. کارشناسان طرح بوش را فرزند «جنگ ستارگان» ریگان نامیدند.^{۱۵} آمریکا درصدد ایجاد ۱۰ سامانه رهگیر موشکی در لهستان و یک ایستگاه پیشرفته رادار در جمهوری چک بوده تا اروپا را در مقابل موشک‌های بالستیک دوربرد محافظت کند. قرار بود این سیستم دفاع موشکی تا سال ۲۰۱۳، به بهره برداری برسد. آمریکا تأکید داشته که این طرح هیچ گونه توان تهاجمی ندارد. مقام‌های وقت آمریکا در توجیه این طرح ادعا می‌کردند که براساس پیش بینی‌های اطلاعاتی آنها، با مسلح شدن ایران به موشک‌های دوربرد تا سال ۲۰۱۵، اروپا و آمریکا به راحتی در تیررس قرار می‌گیرند. این طرح در واقع نوع کامل تری از استقرار ایستگاه‌های رادار بوده که در زمان جنگ سرد در کشورهای نظیر ترکیه و حتی ایران، در برابر تهدید شوروی نصب شده بود.^{۱۶} به ادعای آمریکایی‌ها برپایی این سامانه تنها برای مقاصد پدافندی و فاقد امکانات آفندی بوده است. این موشک‌های رهگیر هیچ‌گونه کلاهک انفجاری نداشته و برای حرکت و برخورد با کلاهک‌های آفندی و نابود کردن آنها تنها به انرژی جنبشی متکی است.^{۱۷}

خروج یک جانبه آمریکا از معاهده موشک‌های ضد بالستیک (ABM) و اعلام اجرای طرح سپر موشکی در پایگاه‌های لهستان و چک واکنش شدید روسیه را به همراه داشت. مقامات روسی استقرار این سامانه در مرکز اروپا را به «دیوار برلین جدید» تشبیه نمودند. ژنرال‌های روسی هدف اصلی طرح را

روسیه و بر هم زدن توازن استراتژیک به سود ایالات متحده عنوان کردند. پوتین، رئیس جمهور وقت روسیه، در سخنانی اظهار داشت که طرح سپر دفاع موشکی می‌تواند منجر به وضعیتی مشابه بحران موشکی کوبا در دهه ۶۰ شود.^{۱۸} وی در اظهارات بسیار تندی در جریان برگزاری اجلاس سران گروه هشت در سال ۲۰۰۷ آشکارا اروپا را به استفاده از توان موشکی خود تهدید کرد. رئیس جمهور وقت روسیه در سخنانی تأکید کرد در صورت اجرای طرح مزبور که به اعتقاد مسکو اقدامی علیه روسیه است قاره اروپا از سوی موشک‌های روسی هدفگیری خواهد شد.^{۱۹} عدم تمایل دولت بوش به پذیرش پیشنهاد پوتین مبنی بر جایگزینی استقرار سیستم ضد موشکی در لهستان و چک با پایگاه «قبله» در آذربایجان که در اجلاس مذکور مطرح شد حتی احتمال آغاز جنگ سرد جدیدی را شدت بخشید.^{۲۰}

به هر حال مسئله تا آنجا پیش رفت که براساس بیانیه پایانی اجلاس بخارست، کشورهای عضو ناتو از طرح آمریکا برای استقرار یک سیستم دفاع موشکی در اروپا حمایت کردند. رسانه‌های خبری حتی این مسئله را دستاورد بزرگ بوش در آخرین سال ریاست جمهوری اش عنوان کردند. در این بیانیه از استقرار پایگاه‌های دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان حمایت شده است. این مصوبه ناتو، گسترش موشک‌های بالستیک «تهدیدی فزاینده برای نیروها، قلمرو و مردم کشورهای عضو» خواند و سیستم آمریکایی دفاع موشکی را «حافظ امنیت متحدان این سازمان» عنوان کرد. به علاوه بیانیه پایانی ناتو، خاطر نشان شد که گام‌هایی برای استقرار یک سیستم موشکی موازی از سوی ناتو برداشته خواهد شد تا مناطقی را محافظت کند که تحت پوشش سیستم آمریکایی نیستند. همزمان با این تحولات، مقام‌های آمریکایی و چک اعلام کردند که بر سر استقرار یک رادار دفاع موشکی در خاک چک به توافق

رسیده‌اند و مذاکرات آمریکا و لهستان در مورد استقرار ده موشک رهگیر در خاک این کشور از سر گرفته شده است.^{۲۱}

در حالی که روسیه نگرانی خود را از اجرای طرح سپر دفاع موشکی ابراز می‌کرد و مقام‌های روسی برای برای ادامه مذاکرات خلع سلاح شروطی را مطرح می‌ساختند باراک اوباما به یکباره لغو طرح سپر دفاع موشکی و اجرای یک طرح دفاع ضد موشکی جدیدی را به جای طرح قبلی اعلام کرد.^{۲۲} وی در یک سخنرانی با اعلام انصراف کشورش از استقرار سیستم دفاع موشکی گفت: آمریکا سیستم بهتری را جایگزین آن می‌کند، سیستمی مقرون به صرفه تر با فناوری عالی تر نسبت به سپر موشکی که منافع روسیه هم در آن لحاظ شود.^{۲۳}

البته اوباما در پاسخ به انتقادهایی که از وی درباره لغو سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا مطرح شده بود گفت: روس‌ها تعیین نمی‌کنند که وضعیت دفاعی ما چگونه باشد. این ما هستیم در این باره تصمیم می‌گیریم که چه چیزی برای حمایت از مردم آمریکا و نیروهایمان در اروپا و متحدانمان بهترین خواهد بود. اما وی این نکته را هم اضافه کرد که اگر نتیجه فرعی لغو برنامه سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا این است که روس‌ها کمتر احساس بدگمانی کنند و هم اکنون برای همکاری موثرتری برای مقابله با تهدیداتی نظیر موشک‌های بالستیک ایران یا توسعه برنامه هسته‌ای در ایران آماده باشند، یک امتیاز به شمار می‌آید.^{۲۴} در طرح جدید بر استفاده از موشک‌های مستقر در کشتی برای دفاع از اروپا تاکید شده است. اوباما دلیل اصلی لغو طرح را ارزیابی مجدد توانایی‌های ایران ذکر کرد چرا که بر اساس ادعای مقامات آمریکایی برنامه موشک‌های دوربرد ایران از آنچه پیش بینی می‌شد پیشرفت کمتری داشته است. با مذاکرات و تغییراتی که در الگوهای تعاملاتی طرفین صورت گرفت، روند بررسی سپر دفاع موشکی تغییر یافت.^{۲۵}

یکی از مسائلی که نرمی روسیه را در این مورد به همراه داشت پیشنهاد همکاری روسیه در سپر دفاع موشکی است که برنز و اوباما در آخرین سفر خود به روسیه مطرح کردند و مورد استقبال لاوروف و مدودف نیز واقع شد. پیش از این نیز در بیانیه نهایی اجلاس سران ناتو، طرح دفاع موشکی مشترک با روسیه پیشنهاد شده بود. در این بیانیه آمده بود که دو طرف آماده بررسی امکان ترکیب سیستم‌های دفاع ضد موشکی آمریکا، ناتو و روسیه در زمان مناسب هستند. از نکات دیگری که هم در اجلاس اخیر سران ناتو و هم چنین در دیدار اوباما با مدودف بحث شد، موضوع عدم پذیرش گرجستان و اوکراین در ناتو، از این همکاری موثر روسیه با طرح سپر دفاع موشکی بود. چنین دیدگاهی مورد توافق تمامی طرفین قرار گرفته است. مجموع هماهنگی‌های ذکر شده باعث همکاری روسیه با غرب بر سر این مسئله در آینده نزدیک خواهد بود، هماهنگی‌ای که در سایه بررسی و مرتبط ساختن موارد گوناگون به یکدیگر حاصل شده است.^{۲۶}

۳. گسترش ناتو

منابع غربی ریشه تصمیم ناتو مبنی بر گسترش به سوی شرق را اقدام نظامی روسیه در چچن می‌دانند. بحث در مورد توسعه ناتو در واقع از سوی کشورهای مرکز و شرق اروپا، جمهوری‌های بالتیک، مجارستان، چک و اسلواکی مطرح گردید. از دیدگاه غرب پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سه تهدید عمده می‌تواند سبب توسعه ناتو به سوی شرق گردد؛ نخست احتمال قدرت یافتن مجدد روسیه، دوم، بروز درگیری‌های قومی و سوم افزایش بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و انتقال آثار آن به غرب.^{۲۷}

ناتو به طور عام و آمریکا به طور خاص طی سال‌های گذشته با طرح ضرورت گسترش ناتو به سوی شرق تلاش کرده اند تا در درون ساختار نظامی

رقیب دیرینه خود نفوذ کنند. این سیاست با ابراز تمایل رهبران جمهوری‌های سابق شوروی برای همکاری با ناتو موفقیت‌هایی چند به دست آورده است. اجلاس رهبران ناتو در آوریل ۱۹۹۹ چارچوب امنیتی جدیدی را در آستانه قرن بیست و یک ترسیم نمود.^{۲۸} از دستاوردهای این اجلاس کم‌رنگ کردن محدودیت‌های جغرافیایی، فراتر بردن ناتو از مرزهای سنتی آن و گسترش حوزه فعالیت‌این سازمان در فضای اروپا-آتلانتیک بود. با توجه به عضویت بسیاری از جمهوری‌های شوروی سابق در شورای همکاری اروپا-آتلانتیک می‌توان دریافت که فضای مورد نظر ناتو دست کم از اقیانوس اطلس تا آسیای مرکزی گسترده است و ناتو ماموریت دارد بر جریان حوادث در این عرصه پهناور نظارت کند. قفقاز جنوبی بخش مهمی از فضای جدیدی بوده که علاوه بر ایفای نقش محوری در تحقق طرح‌های نفتی و ترانزیتی، از بعد امنیتی نیز حایز اهمیت ویژه‌ای است و به همین دلیل در کانون توجه ناتو قرار دارد. کاهش وابستگی کشورهای بلوک شرق به روسیه از یک سو و گرد آوردن این کشورها زیر چتر امنیتی- نظامی ناتو از سوی دیگر سبب خواهد شد آمریکا بتواند از نفوذ روسیه در منطقه بکاهد و با تقویت جایگاه امنیتی- نظامی خود در سایر نقاط جهان سیاستگذاری‌های اقتصادی- سیاسی دیگر کشورها را در راستای منافع جهانی خود شکل دهد.^{۲۹}

در خصوص نگاه روسیه به این مسئله باید گفت از دیدگاه روسیه گسترش ناتو و الحاق کشورهای اروپای شرقی و بالکان به آن به منزله تهدیدی علیه ساختار امنیتی این کشور است. روسیه بر این عقیده است که گسترش ناتو اروپا را به شکلی نو تفکیک می‌کند و بار دیگر شکافی را که با جنگ سرد پایان یافت به قاره اروپا تحمیل خواهد کرد. این سیاست نیروهای مسلح ناتو را احتمالاً به مرزهای روسیه می‌کشاند و سبب می‌شود کشورهای شرق اروپا در روابط خود با مسکو هیچ محدودیتی احساس نکنند زیرا آنها تصور خواهند کرد

که حمایت ناتو را پشت سر خود دارند به این ترتیب ثبات اروپای شرقی از میان می‌رود. این امر به طرز اجتناب پذیری به افزایش شدید هزینه‌های دفاعی روسی می‌انجامد و شرایط را برای یک رقابت تسلیحاتی جدید فراهم می‌آورد.^{۳۰}

مسئله گسترش ناتو به حیاط خلوت روسیه یکی از مهم ترین زمینه‌های کشمکش میان دو کشور بوده است. جنگ گرجستان و روسیه اوج تنش در روابط روسیه با ناتو بود. در آن مقطع زمانی، طرفین به طور جدی اعلام داشتند که به هیچ عنوان همکاری‌های خود را ادامه نخواهند داد. اما با مشخص تر شدن علل وقوع جنگ و همچنین آرام تر شدن فضا و بوجود آمدن نشانه‌های همکاری میان روسیه و آمریکا و متعاقب آن روسیه و اروپا، همکاری‌های روسیه با ناتو وارد مرحله جدیدی شده است. آغاز گفت و گوهای شورای ناتو- روسیه در سطح وزرا، یکی از گام‌های مثبتی است که طی مدت اخیر برداشته شده است. کاراین شورا پس از جنگ گرجستان متوقف شده بود. هرچند که هنوز این شورا استقلال آبخازیا را به رسمیت نشناخته اما در تلاش است تا با عدم پیگیری عضویت اوکراین و گرجستان در اتحادیه اروپا و همچنین فراهم شدن شرایطی برای همکاری در مسئله سپر دفاع موشکی، همکاری‌های نظامی با روسیه را از سر بگیرد.

اوباما در دیدار با مدودف در اول آوریل ۲۰۰۹ بر لزوم «تحمیل دیدگاه‌های مختلف» تاکید کرد و از تعلیق عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو خبر داد. کارشناسان آمریکایی امور اروپا و روسیه معتقدند تصمیم اوباما در مورد عدم عضویت اوکراین و گرجستان دلیل دیگری دارد. هر دو کشور با بی‌ثباتی سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند. منازعات داخلی میان طرف‌های درگیر در اوکراین سبب شده این کشور فاقد یک نظام حکومتی کارآمد که یکی از پیش شرط‌های پیوستن به ناتو است باشد. در گرجستان نیز، میخائیل

ساکاشویلی بسیار بی برنامه تر از آن است که ناتو بتواند برنامه‌ای در تضمین امنیت این کشور ارائه کند. بنا به گفته یکی از مقامات آمریکایی، این اوباما نبوده که مانع از پیوستن آنها به ناتو شده، خودشان این کار را کرده اند.^{۳۱}

۴. ترویج دموکراسی

در حالی که در دوران بوش همواره از سیاست‌های روسیه در جهت محدودیت آزادی بیان و رسانه‌ها انتقاد می‌شد اوباما به وضوح کمتر از بوش در سیاست خارجی خود اولویت را به مسئله ترویج دموکراسی و حقوق بشر داده است. هیلاری کلینتون یکبار در اظهاراتش پیرامون چین خاطر نشان کرد که اجازه نخواهد داد دموکراسی جای دیگر اولویت‌های مهم همچون بحران و مسئله تغییرات آب و هوایی را بگیرد. روسیه از این تغییرات استقبال کرده است. سرگئی لاوروف در سخنانی پس از این اظهار نظر، رویکرد عملگرایانه و حرفه‌ای اوباما را ستود. البته به باور برخی اوباما برای این کار خود دلیل خاصی دارد. اوباما به خوبی می‌داند که سیاست‌های بوش از جمله حمله به عراق به بهانه دستیابی عراق به جنگ افزارهای هسته‌ای که با ناکامی در یافتن جنگ افزارهای ادعایی، مسئله دموکراتیزاسیون به سرعت جای آن را به عنوان علت اصلی حمله به عراق گرفت سبب بدنامی سیاست ترویج دموکراسی شده است. از آنجا که از محبوبیت آمریکا در دوران بوش بسیار کاسته شده بود انتقاد از سیاست‌های این کشور به صورت دستاویزی برای کسب محبوبیت از سوی حاکمان اقتدارگرا درآمده بود.

۵. ایران

اوباما طی دیدار با مدودف تأکید بسیاری بر جلوگیری از گسترش توانمندی هسته‌ای ایران داشته است، مسئله ای که به نظر آمریکا هم چنان از

اهمیت بالایی برخوردار است. موضع اواما در مورد ایران تا حدودی نسبت به دوره بوش تفاوت دارد. اواما نظر مثبتی به مذاکره با ایران و دیپلماسی فعال نشان داده است. اما آنچه از اهمیت بیشتر برخوردار است، بحث و نگاه روسیه در این زمینه است. روسیه و چین همواره همراه ایران بوده اند اما شرایط تا حدودی در حال تغییر است. همان گونه که رئیس کمیسیون امنیت پارلمان روسیه و هم چنین رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، تأکید داشته اند، نگاه روسیه و آمریکا در مورد ایران در حال به هم نزدیک شدن است.^{۳۲}

در دوم مارس ۲۰۰۹ خبرگزاری ریانووستی روسیه خبری اعلام کرد مبنی بر اینکه آمریکا حاضر است در ازای همکاری و همراهی روسیه در مهار ایران در طرح سپر موشکی خود تجدید نظر کند.^{۳۳} در واقع یک ماه قبل اواما پیشنهادی مخفیانه به مدودف مبنی بر دست کشیدن از طرح سپر موشکی در ازای همکاری روسیه در مسئله ایران ارایه کرد. مدودف نیز در سوم مارس ۲۰۰۹ نیز به اواما پاسخ داد که حاضر است با واشنگتن همکاری کند. در حقیقت اواما کوشید با پیوند زدن سرنوشت موضوع استقرار سپر دفاع ضد موشکی خود در لهستان و چک، به عنوان مهم ترین مساله مورد چالش با توانمندی متعارف نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی و دادن برخی امتیازها به روسیه، این کشور را ترغیب نماید تا قراردادهای متعارف دفاعی و همچنین همکاری‌های هسته‌ای (تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) با جمهوری اسلامی ایران را لغو کند.

اواما در دیدار خود با ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه خواستار همکاری تنگاتنگ مسکو در رابطه با ایران شد و بر نقش مهم روسیه در حل مشکل هسته‌ای ایران تأکید کرد. اواما اظهار داشت که باید در این رابطه، بررسی‌ها را فعال کرد و آمریکا علاقه‌مند است که روسیه در یک طرف با آمریکایی‌ها بماند و همکاری تنگاتنگی داشته باشد. از سوی دیگر، اواما پس از

دیدار با مدودف، رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرده است که برنامه هسته‌ای ایران همچنان تهدیدی بزرگ است و جامعه بین‌المللی، ایده تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای را نمی‌پذیرد. باراک اوباما گفت که مهم‌ترین نگرانی او این نیست که ایران هسته‌ای در آینده بتواند آمریکا و متحدان این کشور مانند اسرائیل یا کشورهای همسایه خود را تهدید کند؛ بلکه آغاز رقابت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه در پی تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای، مهم‌ترین نگرانی اوست.^{۳۴}

از نکات مهم در این زمینه تردیدهای رو به گسترش همکاری روسیه با ایران در زمینه تسلیحات نظامی است. مسکو همواره یکی از تأمین‌کننده‌های تسلیحات برای ایران بوده است و در همین زمینه نیز کمک بسیاری برای تقویت موشک‌های دوربرد داشته و همواره تهدید آمیز بودن ایران را انکار کرده است. به واقع نگاه روسیه پس از آزمایش ماهواره امید در ماه فوریه تغییر کرده است. ماهواره امید توانایی ایران را به روسیه نشان داد و همین امر ایران را در موضع محکم تری قرار داد که تا پیش از این از آن برخوردار نبود. به نظر می‌رسد روسیه نسبت به ادامه همکاری‌ها با ایران نگاه دقیق‌تر و محتاطانه تری خواهد داشت. نکته بسیار مهم دیگر معاملات رو به افزایش تسلیحاتی روسیه با اسرائیل است. دو عامل به این امر کمک کرده است؛ اول این که روسیه همواره به دنبال متنوع‌سازی بازارهای تسلیحاتی خود بوده است، و دوم خواست و علاقه اسرائیل برای خرید سیستم‌های جدید تسلیحاتی از روسیه است. می‌توان انتظار داشت که نزدیکی بیش از پیش روسیه به اسرائیل، آن هم در ۱۳ زمینه مسائل نظامی، باعث دوری روسیه از ایران و تاخیر در فروش تسلیحات به به ایران بوده است. ایهود اولمرت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، از مخالفان تحویل موشک‌های S-300 بوده که همین مخالفت به نظر تا به امروز مؤثر بوده است. اساساً این امر کاملاً مشخص است که به دلیل تعاملات در حال گسترش روسیه با اسرائیل و اهمیت آن، روسیه این امکان را نخواهد

داشت که به طور موثرتری بایران همکاری کند. به هر حال مشخص است که با جدی تر شدن مسئله اسراییل از سویی و همکاری‌های روسیه با آمریکا در زمینه‌های مختلف، فشارها بر ایران برای همکاری مؤثرتر با روسیه افزایش می‌یابد.^{۳۵} البته بسیاری بر آنند آمریکا چندان نمی‌تواند روی همکاری روسیه حساب کند. روسیه پاشنه آشیل آمریکا در مسئله ایران است. اگرچه روسیه فروش موشک‌های زمین به هوای S-300 را که در دفاع از تاسیسات هسته‌ای ایران در برابر حملات احتمالی حایز اهمیت است به حالت تعلیق در آورده و این امر را به نگرانی در مورد ثبات منطقه ربط داده اما بسیاری معتقدند این هم یکی از بازی‌های روسیه است. روسیه می‌خواهد با نگه داشتن این موشک‌ها به مثابه گروگان، باز هم از آمریکا امتیاز بگیرد.^{۳۶}

۶. افغانستان

جوزف بایدن، معاون رییس جمهوری آمریکا، در یکی از سخنرانی‌های خود در کنفرانس امنیت اروپا گفت زمان بازبینی و تجدیدنظر در حوزه‌هایی که آمریکا و روسیه می‌توانند با هم تبادل نظر داشته باشند فرا رسیده است. در واقع منظور وی از این حوزه‌ها همانا مسئله مشارکت روسیه در افغانستان بوده است. کرم‌لین در چرخشی آشکار نسبت به زمان بوش به ناتو پیشنهاد مشارکت در قضیه افغانستان را داده زیرا به باور بسیاری روسیه دل خوشی از طالبان ندارد.^{۳۷}

در مذاکرات ۶ ژوئیه، میان باراک اوباما و دمیتری مدودف توافقی حاصل شد که به آمریکا اجازه پرواز هواپیماهای آمریکایی عازم افغانستان از حریم هوایی روسیه را می‌دهد. بر پایه این توافق، سالانه ۴۵۰۰ پرواز آمریکایی اجازه خواهند داشت نفرات، تسلیحات و کالاهای مورد نیاز ارتش آمریکا را با عبور از حریم هوایی روسیه به افغانستان برسانند. اوباما این توافق را به عنوان سهم

تعیین کننده روسیه در مبارزه با طالبان ستود. هرچند روسیه خود ترس بسیاری از گسترش افراط‌گرایی به دلیل مسئله چین دارد اما تا همین اواخر از حضور نظامی آمریکا در اوراسیا ناراضی بود. از جمله فشارهای روسیه نیز مربوط به تخلیه پایگاه مناس در قرقیزستان بود. اما همان گونه که ذکر شد با وجود توافقاتی که به طور کلان صورت گرفته حتی پایگاه نظامیان آمریکایی در مناس هر چند با هزینه‌ای بیشتر برقرار خواهد ماند. از سویی روسیه نیز همان گونه که در توافق اخیر نیز مشهود است، قرار شده که همکاری مؤثرتری با آمریکا برای مبارزه با افراط‌گرایی داشته باشد و دست آمریکا را در استفاده از آسیای مرکزی برای این مورد باز بگذارد.^{۳۸}

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط آمریکا و روسیه همواره با فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود روبرو بوده به نحوی که در روابط این دو کشور همکاری و تقابل وجود داشته است. فدراسیون روسیه با برخورداری از سلاح‌های هسته‌ای، موقعیت استراتژیک، منابع قابل توجه انرژی و عضویت دایم در شورای امنیت سازمان ملل در سیاست خارجی آمریکا همواره جایگاهی خاص داشته است. لذا اقدام موثر برای بهبود و تقویت روابط روسیه و آمریکا از اهمیت اساسی برای تامین منافع آمریکا برخوردار است.

سعی دولت نومحافظه کار بوش معطوف به آن بود تا ساختار امنیت بین‌الملل را تک‌قطبی کند و لذا در بسیاری از موارد کوشید به صورت یک‌جانبه‌گرایانه اقداماتی را به منظور اجرای سیاست‌ها و دستیابی به منافع و اهداف خود به عمل آورد که این امر سبب ناخشنودی بسیاری از کشورها و به وجود آمدن برخی تعارضات و کشمکش‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل گردید. در نوشتار حاضر سعی گردید با بررسی مناسبات دو کشور، قبل و بعد از روی

کار آمدن اوباما، در خصوص موضوعات عمده مورد مناقشه مانند مسئله سپر دفاع موشکی، کاهش تسلیحات استراتژیک، گسترش ناتو به سوی شرق، مسئله ایران و افغانستان و ...، این نکته مورد تبیین قرار گیرد که با توجه به شرایط بین‌المللی جدید که نیاز به همکاری و تشریک مساعی را ضروری ساخته، آمریکا برخلاف دوران بوش برای حل مسایل پیش رو، خود را بی‌نیاز از کمک روسیه نمی‌بیند و لذا از اتخاذ رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه به چندجانبه‌گرایی روی آورده است. البته به عقیده بسیاری از سیاستمداران آمریکایی، بهبود روابط روسیه و آمریکا زمانی با موفقیت‌قرین خواهد بود که ساختارها و روندهای جدید برای تقویت و اجرای سیاست آمریکا در قبال روسیه و تماس با دولت روسیه ایجاد گردد.

لازم به توضیح است که حتی با انجام اقدامات فوق سیاست آمریکا در قبال روسیه بدون ارایه تعریفی دقیق و شفاف از منافع و اولویت‌های آمریکا و ملاحظات جدی نسبت به منافع روسیه نمی‌تواند موفق باشد. منافع آمریکا و روسیه یکسان و مشترک نیست و در دو کشور در خصوص بسیاری از مسایل مهم بین‌المللی دارای اختلاف منافع هستند. مسکو در بهترین حالت یک شریک سرسخت و مشکل‌با دیدگاه‌ها و نظرات و اولویت‌های سیاست‌ارجی مختص به خود خواهد بود.^{۳۹} نکته بسیار مهم دیگر فهم عمیق‌این مسئله است که می‌باید منافع طرف مقابل را نیز در نظر داشت. دولت بوش در بسیاری از حوزه‌ها نه تنها منافع و دیدگاه‌های روسیه را به رسمیت نمی‌شناخت بلکه تلاش می‌کرد با قدرت هرچه تمام‌تر دیدگاه‌های آمریکا را در عرصه جهانی پیاده کند که تبعاً با مخالفت جدی دیگر کشورها و مخصوصاً روسیه مواجه می‌شد و کار را برای همکاری سخت می‌ساخت.^{۴۰}

از آن طرف، روس‌ها نیز به خوبی می‌دانند که افزایش قیمت نفت، نزدیک شدن به اوباما و کم کردن اختلافات به اقتصاد روسیه کمک مثبتی

خواهد کرد. در عین حال همان طور که دیمیتری مدودف اذعان داشته، برخلاف جورج بوش که مواضع از پیش تعیین شده‌ای داشته و نمی‌خواست در مورد آن مواضع به گفت و گو و تبادل نظر بپردازد، اوباما این‌گونه نیست و خواهان گفت و گو است و در مواردی که روسیه بتواند با آن به تفاهمی برسد حاضر است مواضع خود را تغییر دهد. روسیه خواهان نوعی چند جانبه‌گرایی است بطوری که مسئولیت و سهم بیشتری در امنیت و مشارکت بین‌المللی به روسیه داده شود و آمریکایی‌ها روسیه را به عنوان یک قدرت بزرگ به رسمیت بشناسند، نه قدرتی که می‌خواهند علیه آن اقدام کنند.

البته نزدیکی دو کشور نشانه نبود اختلاف یا رقابت میان دو کشور نیست. ایالات متحده خواهان آن است مسکو موضعی سخت تر در قبال برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی اتخاذ کند، از تهدید همسایگان خود نظیر اوکراین و گرجستان دست بردارد و در زمینه کاهش سلاح‌های غیرمتعارف نرمش نشان دهد. از سوی دیگر ایالات متحده نیز با درخواست‌هایی از سوی مسکو مواجه است. مسکو از واشنگتن انتظار دارد حوزه نفوذ روسیه را به رسمیت شناسد، از توسعه ناتو به شرق جلوگیری کند و طرح سپر دفاع موشکی را کاملاً و دائماً متوقف کند. به طور کلی تر، مسکو خواهان احترام بیشتر است. دقیقاً به همین خاطر بود که اوباما در یکی از نطق‌های خود در روسیه اظهار داشت مهم‌ترین پیامی که می‌خواهد به رهبری و مردم روسیه ابلاغ کند احترام آمریکا نسبت به روسیه است، کشوری که همچنان یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان است.

منابع و یادداشتها:

۱. شعیب بهمن، «سامانه دفاع موشکی؛ تقابل نوین روسیه و آمریکا»، ایراس؛ ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره بیست و یکم، آذر و دی ۱۳۸۷، ص ۲۱.
۲. فرشاد رومی، «هدف های آمریکا از برپایی سامانه پدافند ضد موشکی در خاور اروپا»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۱۲۶.
3. John Mersheimer, *The Tragedy of Great Power Politics*. Norton Company, New York, 2001, p. 35
۴. محسن زاهدی موحد، سناریوی تغییر و اهداف آن، «ماهنامه رویدادها و تحلیل ها»، شماره ۲۳۲، سال بیست و سوم، خرداد ۱۳۸۸، ص ۴۳.
۵. امیر محمد سوری و افسانه احدی، «تعاملات روسیه و آمریکا در دوران اوباما»، گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۹۳، مرداد ۱۳۸۸، ص ۶.
۶. ابراهیم متقی، «توازن قدرت؛ مناسبات روسیه و آمریکا در قرن ۲۱»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره هجدهم، مهر ۱۳۸۶، صص ۱۰ و ۱۱.
۷. تورج حاتمی، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی، تهران: انتشارات خورزن، ۱۳۸۲، صص ۳۷ و ۳۶.
۸. حسن نقدی نژاد و امیر محمد سوری، رقابت روسیه و آمریکا در اوراسیا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، ص ۱۶۸.
۹. امیر محمد سوری، همان، صص ۷ و ۶.
10. Stephen Blank, "Is Eurasia Security Order At Risk?", in *Strategic Studies Institute*, 2007, p. 62
۱۱. امیر محمد سوری، همان، ص ۸.
12. Tim Reid, "President Obama Seeks Russia Deal to Slash Nuclear Weapons" Available at www.timesonline.co.uk/tol/news/world/us.../article5654836.ece
۱۳. امیر محمد سوری، همان، صص ۹ - ۷.
14. Greg Granger, "Russian Reaction to U. S Foreign Policy; an Emerging Security Dilemma," Available at: [www. http://www.unc.edu/depts/diplomat/item/2007/0406/gran/granger_russia.html](http://www.unc.edu/depts/diplomat/item/2007/0406/gran/granger_russia.html).
۱۵. فرشاد رومی، پیشین، همان، ص ۱۲۶.
۱۶. امیر محمد سوری، همان، ص ۹.
۱۷. فرشاد رومی، ص ۱۲۳.
۱۸. شعیب بهمن، سامانه دفاع موشکی؛ تقابل نوین روسیه و آمریکا، پیشین، ص ۲۲.
۱۹. افسانه احدی، امیر محمد سوری، میراث جنگ سرد، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۹، آبان ۱۳۸۸، ص ۳۳.
۲۰. شعیب بهمن، آمریکا و روسیه؛ فراز و نشیب های یک رابطه. ایراس، ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، پیشین، ص ۲۲.
۲۱. امیر محمد سوری، همان، صص ۱۰ و ۹.
۲۲. افسانه احدی، همان، ص ۳۳.
۲۳. ماهنامه اقتصاد/یران، شماره ۱۲۹، آبان ۱۳۸۸، ص ۲۰.

۲۴. خبرگزاری فارس. اوباما: روسیه باعث لغو طرح سپر موشکی آمریکا نبوده است. (تاریخ مراجعه: ۸۸/۱۲/۸) ر.ک:

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8806300983>

۲۵. افسانه احدی، همان، ص ۳۳.

۲۶. امیر محمد سوری، همان، ص ۱۰.

۲۷. الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، صص ۲۵۵ و ۲۵۴.

۲۸. تورج حاتمی، همان، صص ۱۴۷ و ۱۴۶.

۲۹. همان، صص ۱۷۷ و ۱۷۳.

۳۰. همان، ص ۱۷۱.

31. Tomas Valasek. "Obama, Russia and Europe" Available at: www.cer.org.uk/pdf/pb_TV_obama_russia_june09.pdf (تاریخ مراجعه: ۸۸/۱۱/۱۴)

۳۲. امیر محمد سوری، همان، ص ۱۲.

33. Obama Ready to Drop Shield Plans for Russian Help. Available at: en.rian.ru/russia/20090302/120375219.html (تاریخ مراجعه: ۸۸/۱۱/۲۸)

۳۴. کتابیون مافی. ایران محور مذاکرات سران روسیه و آمریکا. (تاریخ مراجعه: ۸۸/۱۲/۱۲). ر.ک: www.islamtimes.org/vdgc.79urak9uwpr4a.html

۲۵. امیر محمد سوری، همان، صص ۱۳ و ۱۲.

36. Valasek, Tomas. Obama, Russia and Europe. Available at: www.cer.org.uk/pdf/pb_TV_obama_russia_june09.pdf

37. www.nytimes.com/2009/02/12/opinion/12thu1.html

۳۸. امیر محمد سوری، همان، ص ۱۱.

۳۹. جهت گیری صحیح سیاست آمریکا در قبال فدراسیون روسیه، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها، شماره ۲۳۴، سال بیست و سوم، مرداد ۱۳۸۸، صص ۶۰ - ۶۲.

۴۰. امیر محمد سوری، همان، صص ۷ و ۶.